

بسم الله الرحمن الرحيم

پاسخ به پرسش

سفر بایدن به آسیای میانه و قضیه هسته‌ای

(ترجمه)

سوال: "جوبایدن" رئیس جمهور امریکا امروز چهارشنبه "واشنگتن" مرکز امریکا را به هدف سفر رسمی که شامل اسرائیل، کرانه غربی و مملکت عربی سعودی می‌شود ترک نمود... [عربیه نت 13 جولای 2022م] نشریه موسوم به روز هفتم به تاریخ 10 جولای 2022م، در سایت خود چنین به نشر رسانده بود: (جوبایدن رئیس جمهور امریکا گفت که او به زودی در هفته آینده به خاور میانه سفر خواهد کرد تا فصل جدید و امیدوار کننده را برای نقش امریکا در منطقه آغاز نماید...) روزنامه الشرق الاوسط به تاریخ 5 جولای 2022م، در سایت خود نشر نموده است که: (ند پرایس، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا گفته است که ایران در هفته ها و ماه های اخیر بارها خواسته هایی را خارج از چارچوب توافق هسته ای 2015 مطرح کرده است... به گزارش خبرگزاری رویترز، در حال حاضر دور دیگری از مذاکرات با ایران برنامه ریزی نشده است...) حالا سوال این است که آیا این بدان معناست که امریکا به توافق هسته‌ای پشت کرده است؟ هدف سفر "بایدن" در این مقطع زمانی چی بوده و آیا این سفر ارتباط به توافق هسته‌ای دارد و یا این سفر به مناسبت مسائل دیگری انجام شده است؟ آیا ممکن است که ایران یک قدرت هسته‌ای شود؟ الله سبحانه و تعالی به شما برکت داده، پیروزی و فتح را نصیب شما گرداند.

پاسخ:

در حقیقت پرسش متشکل از دو بخش است: بخش اول درباره موضوع توافق هسته‌ای با ایران و بخش دومی درباره سفر "بایدن" که پاسخ آن به قرار ذیل است:

اول: توافق هسته‌ای:

1- قضیه هسته‌ای ایران با ابعاد محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، بخش مهمی از سیاست امریکا در قبال ایران است و حتی با دیگر قضایا تداخل دارد تا به ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی در استراتژی امریکا تبدیل شود، بنابراین دیده می‌شود که امریکا از زمان امضای این توافق در سال 2015م، و بیرون شدن از این توافق در سال 2018م، و مذاکرات دوباره برای بازگشت به این توافق همانطور که امروز در حال انجام است و با توجه به دریافت های جدید در سیاست امریکا در خصوص قضیه هسته‌ای ایران در می‌یابیم که تغییر آن به راست و چپ می‌چرخد. با نگاهی دقیق به چشم انداز استراتژی ایالات متحده برای برنامه هسته‌ای ایران، متوجه می شویم که سیاست امریکا بیشتر به مدیریت این قضیه تا حل و فصل آن نزدیک است! این دیدگاه امریکائی ها از قضیه هسته‌ای به هیچ وجه از استراتژی منطقه‌ای امریکا در سرزمین‌های اسلامی و بین المللی جدا نیست.

2- واقعیت عینی که وجود دارد این است که باید باور کرد که ایران در بیش‌تر سیاست‌های خارجی خود پشت صحنه با امریکا هماهنگ بوده و از سیاست امریکا خارج نمی‌شود، به گونه مثال اشغال عراق توسط امریکا در سال 2003م، این هماهنگی را تا حد زیادی آشکار خواهد کرد، زیرا نفوذ امریکا و ایران در عراق مساویانه در کنار هم پیش می‌رفت سپس ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا علیه داعش و مداخله در سوریه به هیچ یک از اهداف ایرانی در سوریه یا شبه‌نظامیان آن

- ضربه نزد، بنابراین آمریکا آن‌ها را در جنگ علیه انقلاب شام رها کرد تا این انقلاب را ریشه کن کنند و آمریکا با هواپیماهایش به بهانه "تروریسم" انقلابیون شام را مورد ضربه قرار داد که این چنین تعاملاتی تنها در بین کشورهای می تواند صورت گیرد که بر سر مسائل و پیشرفت‌های شان توافق کنند، پس نقش آمریکا و ایران در سوریه برای حفظ مزدورشان بشار بود، علاوه بر این، اشغال افغانستان توسط آمریکا، هماهنگی ایران و آمریکا را نیز آشکار کرده چنانچه برخی اظهارات ایرانی‌ها لطف ایران را برای آمریکا در تسهیل اشغال افغانستان واضح ساخته است!
- 3- پس از پایان جنگ عراق و ایران در سال 1988م، و ظهور عراق به عنوان یک قدرت نظامی بزرگ، ایران در سال 1989م، شروع به ساخت برنامه موشکی و هسته‌ای خود به هدف جبران نمودن و سرپوش گذاشتن آنچه که در جنگ با عراق بود شروع کرد، آمریکا از دهه پنجاه به طور رسمی به ایران در تحقیقات هسته‌ای کمک کرد و این تحقیقات پس از انقلاب خمینی متوقف اما در سال 1989م، دو باره راه اندازی شد. به همین ترتیب با از بین رفتن ارتش عراق توسط ارتش آمریکا در سال‌های 1990-1991م، و اخراج آن از کویت و اعمال تحریم‌ها و بازرسی‌ها بر عراق، میدان در منطقه برای برجسته شدن قدرت ایران خالی شد و سیاست آمریکا پس از جنگ سرد به دنبال دشمن خیالی بود تا حضور پایگاه‌های نظامی خودش را در سرتاسر جهان پس از فروپاشی شوروی توجیه نماید و ایران بهترین توجیه و بهانه برای این خواست آمریکا بود چنانچه آمریکا بسیاری از سیاست‌گذاری‌های خود را به بهانه تهدید ایران توجیه می‌نمود تا جایی‌که روسیه از بهانه آمریکا برای نصب سپر موشکی آمریکا در لهستان و رومانی با تهدیدات موشکی ایران بسیار به شگفت آمد!
- 4- بنابراین، برنامه هسته‌ای ایران و عجله ایران برای نصب هزاران دستگاه غنی‌سازی یورانیوم، زنگ خطر را در کشورهای بزرگ اروپایی و همچنین کشورهای حاشیه خلیج فارس به صدا درآورده است که با بررسی دقیق‌تر، متوجه می‌شویم که همه این‌ها برای سیاست آمریکا از چندین جهت ضروری بود:
- ا- ایجاد تهدید ایران برای کشورهای حاشیه خلیج فارس که منابع نفتی در آن قرار دارد تا آمریکا بتواند از حاکمان شان حمایت کند، رئیس‌جمهور "ترامپ" به این افتخار که آمریکا از عربستان حمایت می‌کند و از آن می‌خواهد تا در قالب باج‌خواهی و مافیای پول بپردازد و او می‌گفت که بدون حمایت آمریکا سعودی نمی‌تواند دو هفته دوام بیاورد.
- ب- در سطح بین‌المللی، آمریکا محاصره استراتژیک را علیه روسیه و نصب سپر موشکی خود در نزدیکی مرزهای روسیه آغاز کرد که همه این اقدامات اش به بهانه‌های از جمله محافظت از کشورهای اروپایی در برابر موشک‌های ایران بود.
- 5- با ترس فزاینده اروپا، قدرت‌های بین‌المللی شروع به مذاکره کرده و از سال 2006م، با ایران به امید کنترل برنامه هسته‌ای اش در چارچوب نظامی نه، بلکه در چارچوب صلح آمیز مذاکره کردند و برای این منظور، گروه 1+5 یعنی پنج قدرت گروه بین‌المللی هسته‌ای + آلمان تاسیس شد، با وصف این‌که آمریکا یکی از این قدرت‌های پنج‌گانه بود، مذاکرات هسته‌ای با ایران توسط قدرت‌های بین‌المللی و بدون مشارکت مستقیم آمریکا انجام شد، یعنی این مذاکرات که 9 سال (تا سال 2015م) طول کشید، برای آمریکا محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران جدی نبود. و کشورهای اروپایی علاوه بر روسیه و چین، جلسات پی‌هم و بی‌نتیجه می‌گرفتند این مذاکرات عامل دیگری در قسمت بارز ساختن قدرت ایران و نمایش دادن تهدیدات آن بود.
- 6- علاوه بر آن اختلافات داخلی در آمریکا به شدت در خصوص برنامه هسته‌ای ایران تأثیر گذاشته است، دولت ترامپ دوره‌ای بود که اختلاف آمریکا به نقطه خطرناکی رسیده بود، رئیس‌جمهور "ترامپ" در آن زمان به سیاست سلف خود یعنی "اوباما" در مورد برنامه هسته‌ای ایران حمله کرد

و در زمان خروج از توافق هسته‌ای در سال 2018م، از تحریم‌های حداکثری علیه ایران و باز کردن راه برای تضعیف بیش‌تر ایران توسط یهودیان خبر داد و از آنجایی‌که با قلدوری رفتار می‌کرد، در آغاز جولای 2020م، با کشتن قاسم سلیمانی رهبر سپاه پاسداران قدس، ایران را تذلیل نمود و به دلیل این‌که دولت ترامپ برخلاف دولت دموکرات "اوباما" در هماهنگی کامل با رژیم یهودی به رهبری نتانیاهو بود، رژیم یهودی در حمله به اهداف ایرانی از حد خود فراتر رفته بود، خواه این حملات هدف قرار دادن مستقیم هسته‌ای مثل خرابکاری در نیروگاه "نطنز" باشد و یا غیرمستقیم مانند سرقت اسناد مهم هسته‌ای از ایران توسط رژیم یهودی، این علاوه بر ترورهای متعدد بود که دانشمندان و کارشناسان هسته‌ای ایران را توسط رژیم یهود مورد هدف قرار داد.

7- در آن وقت دموکرات‌ها در امریکا در حالی‌که خارج از حکومت بودند با اراکین نظام ایران به خصوص وزیر امور خارجه وقت "جواد ظریف" تماس گرفتند و برای شان وعده می‌دادند که پیروزی حزب دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری 2020م، به معنای بازگشت به توافق هسته‌ای می‌باشد، این قولی بود که "بایدن" نامزد دموکرات قبل از رئیس‌جمهور شدن اعلام نموده و "بایدن" به بهانه اختلافات داخلی امریکا خود را متعهد به بازگشت به توافق هسته‌ای ایران کرده بود، و امریکا عملاً بعد از مدت کوتاهی که رئیس‌جمهور "بایدن" وظایف خود را در امریکا در سال 2021 آغاز کرد به مذاکرات هسته‌ای با ایران بازگشت، اما این مذاکرات همچنان در جای خود است، زیرا بازگشت امریکا به توافق هسته‌ای با ایران دیگر از استراتژی امریکایی‌ها نبوده بلکه در پی بروز دادن مجدد تهدیدات ایران هستند، علاوه بر این نمایندگان جمهوری خواه در کنگره خواستار ارائه موافقتنامه جدید با ایران به اساس رای گیری در کنگره شدند و تهدید کردند که در صورت غالب شدن در کنگره دوباره آن را رد خواهند کرد که این مسأله نیز باعث سردرگمی روند مذاکرات شد و یک سال و نیمی است که دولت "بایدن" نمی‌تواند به توافق هسته‌ای با ایران بازگردد.

8- سپس جنگ در اوکراین بر موضوع توافق هسته‌ای سایه افکنده و در این وقت دولت "بایدن" بر عهده داشت که عرضه نفت به اروپا را به عنوان جایگزینی برای روسیه تضمین کند و این یکی از الزامات رهبری امریکا به پیمان ناتو است، دولت "بایدن" سیاست خود را بر لزوم لغو تحریم‌ها علیه ایران و سوق دادن تجارت نفت این کشور به بازارهای بین‌المللی و همچنین با ونزوئلا و عربستان سعودی جهت داد، و در خصوص ایران، امریکا در ماه مارچ 2022م، عجلالتاً تسریع روند انعقاد توافق هسته‌ای ایران را پس از حمله روسیه به اوکراین آغاز کرد، دولت "بایدن" آماده بود که مطالبات ایران را در قسمت حذف سپاه پاسداران از فهرست گروه‌های تروریستی که قبلاً "ترامپ" رئیس‌جمهور سابق امریکا او را شامل نموده بود بپذیرد، بناء بازگشت امریکا به توافق هسته‌ای در نتیجه آخرین تحولات در سیاست امریکا پس از جنگ اوکراین بسیار نزدیک شده، اما زمانی‌که روسیه، که بخشی از گروه 1+5 است، روابط تجاری خود را با ایران شرط گذاشت، امریکا از امضای این توافق انصراف کرد، انتظار می‌رود که اگر روسیه بر شرایط خود باقی بماند، موضوع توافق هسته‌ای در ماه‌های آینده تا پایان انتخابات میان دوره‌ای کنگره امریکا در نوامبر 2022م، به کندی ادامه خواهد داد... زیرا به نظر می‌رسد که "بایدن" اکنون از توافق هسته‌ای ایران به مسأله انتخابات میان دوره‌ای بیش‌تر تمرکز کرده است.

دوم: سفر بایدن به منطقه:

1- کسی‌که در خصوص سفر "بایدن" به منطقه تعمق می‌کند می‌بیند که این سفر مقدمه‌ای برای انتخابات میان دوره‌ای و بالا بردن سهام "بایدن" و حزبش در این انتخابات است، اگرچه در ظاهر این سفر به اهداف دیگری ارتباط داده شود! زیرا "بایدن" در یک بحران داخلی با حزب جمهوری خواه قرار گرفته مخصوصاً در دو موضوع قابل توجه: موضوع اول بهره‌گیری

حزب جمهوری خواه از علاقه مندی فزاینده "بایدن" به توافق هسته‌ای با ایران بدون فشار و تحریم های بیش‌ترطوری که "ترامپ" انجام می داد، و دوم، عدم توجه "بایدن" به افزایش و تحکیم روابط رژیم یهود، طوری که "ترامپ" انجام می داد. از آنجایی که این دو موضوع بر انتخابات میان دوره‌ای امریکا تاثیر گذار است "بایدن" در ماه های باقی مانده از انتخابات میان دوره ای نوامبر 2022م، به این دو موضوع توجه بیش‌تری می‌کند.

راه حل "بایدن" در خصوص موضوع اول این است که "بایدن" این دیدار را با بیانیه "ند پرایس" سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا ارائه کرد که توسط روزنامه شرق الاوسط به تاریخ 5 جولای 2022م، گزارش شد که (... در حال حاضر دور دیگری از مذاکرات با ایران وجود ندارد....)، این علاوه بر اظهارات چند پهلویی "بایدن" در مورد توافق است که منجر به پایان دادن مراحل توافق هسته‌ای یا کاهش سرعت آن تا بعد از انتخابات میان دوره‌ای به هدف جلوگیری از سوء استفاده حزب جمهوری خواه از این موضوع علیه "بایدن" و حزبش می‌شود.

سپس "بایدن" با اعلام حمایت بی‌سابقه از رژیم یهودی، با گذاشتن بزرگترین بسته حمایتی تاریخ به "تل ابیب" که بیش از 4 میلیارد دلار برآورد شده به موضوع دوم پرداخت، این علاوه بر تسریع عادی‌سازی رژیم یهود است که همه این مسائل به خاطر اطمینان به دست آوردن آرای لابی یهودی در انتخابات میان‌دوره‌ای به نفع او می‌باشد که به این هدف بیش‌تر از "ترامپ" و حزب اش از رژیم یهود حمایت کرده است بنا بر این همین وقت زمان سفر "بایدن" به منطقه مخصوصاً به سوی رژیم یهود بود که در این ماه، جولای 2022م، صورت گرفت و در حقیقت ابراز حمایت از رژیم یهود کارت تبلیغاتی از لابی یهودی برای "بایدن" محسوب می‌شود، این علاوه بر افزایش محبوبیت او نسبت به مردم اش است که این محبوبیت با تائیدی مزدوران دنباله روش در منطقه صورت می‌گیرد! خصوصاً مسأله انرژی عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس و همین مسأله باعث بالا رفتن سهم انتخاباتی "بایدن" می‌شود که این مطلب با موارد زیر ثابت می‌شود:

ا- [کاخ سفید گفت که "جو بایدن" رئیس جمهور امریکا می خواهد از سفر خود به خاورمیانه - که از چهارشنبه آغاز می شود - برای تقویت نقش ایالات متحده در منطقه استفاده استراتژیک، با اهمیت فزاینده‌ای بنماید. "جیک سالیوان" مشاور امنیت ملی ایالات متحده، در یک کنفرانس مطبوعاتی در کاخ سفید، دوشنبه، اهداف این سفر را که اولین سفر "بایدن" در دوره‌ای ریاست جمهوری وی است و شامل اسرائیل، فلسطین و سپس عربستان سعودی می شود به بررسی گرفت، سفری که رهبران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مصر، اردن و عراق جمع می‌شوند، "سالیوان" در خصوص موضوع عادی سازی اشاره به تمایل امریکا نموده و گفت که برای تقویت آنچه که مسیر بهبود روابط اسرائیل با بیش‌تر کشورهای عربی خواند می‌شود، (هر گونه عادی سازی مثبت است.)

" بایدن" از کشورهای حاشیه خلیج فارس خواسته بود تا تولید نفت را با توجه به قیمت‌های بالای 100 دلار در هر بشکه افزایش دهند. که این مطلب نگرانی‌های جهانی در مورد انرژی و امنیت غذایی را در ادامه جنگ روسیه علیه اوکراین در خصوص نرخ تورم بالا برد. [الجزیره 11 جولای 2022م]

ب- الجزیره به تاریخ 10 جولای 2022م، مقاله‌ای را در واشنگتن پست منتشر کرد: ("جو بایدن" رئیس جمهور امریکا گفت که هفته آینده به خاورمیانه سفر خواهد کرد تا فصلی جدید و امیدوارکننده برای نقش امریکا در منطقه را آغاز کند... در مقاله منتشر شده توسط واشنگتن پست، رئیس جمهور امریکا گفت که نشست سران منطقه در جده، عربستان سعودی، نشانه‌ای از ایجاد ثبات و استقرار در خاور میانه است با اشاره به این‌که او اولین رئیس جمهور امریکا خواهد بود که از اسرائیل به جده سفر می‌کند، "بایدن" در

رابطه با روابط با اسرائیل اشاره کرد که دولت او بزرگترین بسته حمایتی تاریخ را به "تل ابیب" داده است که بیش از 4 میلیارد دلار برآورد شده است.

ج- نشریه شرق الاوسط در تاریخ 5 جولای 2022م، در وب سایت خود منتشر کرد: (ند پرایس، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا امروز (سه شنبه) گفت که ایران در هفته ها و ماه های اخیر بارها خواسته هایی را خارج از چارچوب توافق هسته ای 2015م، مطرح کرده است، وی افزود: مطالبات جدید حاکی از عدم جدیت از سوی تهران است، هفته گذشته در دوحه، مذاکرات غیرمستقیم بین تهران و واشنگتن که هدف آن شکستن بن بست در مورد چگونگی بیرون رفت از توافق هسته ای بود، بدون پیشرفت مورد انتظار پایان یافت. به گزارش خبرگزاری رویترز، "پرایس" گفت که در حال حاضر دور دیگری از مذاکرات با ایران طرح ریزی نشده است.

د- در نشریه موسوم به روز هفتم به تاریخ 5 می 2022م، آمده است: (چند چالشی وجود دارد که "جو بایدن" رئیس جمهور ایالات متحده و حزب دموکرات با نزدیک شدن به انتخابات میان دوره ای کنگره پس از بحران های پی در پی که دولت امریکا را با شکست مواجه کرده بود مواجه شدند که امریکا در طی سه ماه تلاش کرد تا روسیه را از ادامه جنگ در داخل خاک اوکراین منصرف سازد با وصف مجموعه از تحریم های پی در پی اقتصادی که امریکا بر ضد روسیه وضع کرد و با این تحریم ها اثرات جهانی تورم و روند تولید انرژی همراه بود که باعث شد تا بانک فدرالی امریکا نرخ سود را به میزان 5% بالا ببرد که این بلند رفتن در طول 22 سال گذشته بی سابقه بوده و به باور تحلیل گران و وسائل دست جمعی امریکا انتخابات نیمه دوره ای به مثابه نظر سنجی در خصوص ریاست جمهوری "بایدن" در دوسال اول آن در حکومت بوده است.

بنابر این هدف اصلی سفر "بایدن" به منطقه در این زمان خاص، یعنی قبل از انتخابات میان دوره ای همان است که در ابتدا ذکر کردیم: (کسی که به سفر "بایدن" به منطقه دقت می کند، می بیند که این سفر مقدمه ای برای انتخابات میان دوره ای است که سهام "بایدن" و حزبش را در این انتخابات افزایش می دهد، اگرچه ظاهراً این سفر به اهداف دیگری ارتباط داده شود!)

سوم: و در خاتمه ما به دو مسأله تأکید می کنیم:

1- بر این دولت های به اصطلاح بزرگ مشکلات وارد می شود که گاه منجر به درگیری شدید بین احزاب و اجزای آنها می شود... اما درد این جا است که این دولت ها راه حلی برای مشکلات خود در سرزمین های ما و به هزینه ما پیدا می کنند! "بایدن" از سرزمین ما دیدن می کند اما قبل از آن از بین مردمی که بیشترین دشمنی را با ما دارند یعنی رژیم یهود که سرزمین مبارک ما فلسطین را اشغال نموده پرواز می کند و سپس مستقیماً به سرزمین حجاز می رود، جایی که حاکمان آن با تسلیم و شادمانی از او استقبال می کنند و "بایدن" افتخار می کند و می گوید: (او اولین رئیس جمهور امریکا خواهد بود که از "اسرائیل" به جده سفر می کند. .. و بزرگترین بسته حمایتی تاریخ را برای یک کشور یهودی فراهم می کند...) با این حال حاکمان آل سعود حیا نمی کنند، بلکه حیا را از دست داده اند! سپس "بایدن" با حاکمان کشورهای حاشیه خلیج فارس دیدار و درباره افزایش تولید انرژی برای کاهش تورم در امریکا گفتگو کرده و سپس با این گروه حکام با حاکمان رژیم های مصر، عراق و اردن جمع می شوند و در خصوص قضیه عادی سازی دیدار می کند و می گوید: (هر گونه عادی سازی مثبت است) "بایدن" اینگونه می خواهد که برای این حکام به جای جهاد برای از بین بردن یهود، روابط شان را با رژیم یهود عادی سازی کند! و سپس آن حاکمان بدون ترس و واژه های از الله سبحانه و تعالی و رسولش و بدون کدام شرم از مؤمنان برای "بایدن" کف

می‌زنند به جای اینکه امریکا و رژیم یهود را دشمن بخواند ﴿هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ و این حکام با آن‌ها عادی سازی رابطه می‌کنند و سرتعظیم را در نزدشان فرود می‌آورند! -2 در مورد آنچه در اخیر سوال آمده بود (آیا ایران می‌تواند به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شود؟) بله می‌تواند، اگر ایران سیاست خارجی خود را همانطوری که بیان شد با امریکا هماهنگ نسازد در این صورت ایران می‌تواند به یک قدرت مهم تبدیل شود، اما پیوند سیاسی ایران با سیاست امریکا باعث می‌شود که در مدار امریکا بچرخد و با کنترل توافق هسته‌ای، این موضوع را به مذاکرات وین، یعنی با موافقت امریکا ربط داده است: (سعید خطیب زاده سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: «اگر فردا توافقی در "وین" تکمیل شود، اگر فردا در وین به توافق برسد، تمام اقداماتی که ایران انجام داده است از نظر فنی برگشت پذیر است) [اندپندنت عربی 13 جون 2022م] بنابراین تغییر اساسی در ایران بعید به نظر می‌رسد مگر این‌که ایران اسلام را در سیاست داخلی و خارجی خود حاکم قرار داده و بعد از آن رابطه خود را با امریکا به طور کامل و غیرقابل برگشت قطع نماید... ما به این نظریه و این عمل را از سوی سیاستمداران فعلی ایران بعید می‌دانیم اما به الله سبحانه و تعالی عذر می‌کنیم تا شاید به پروردگار شان رجوع کنند و از الله بترسند.

15 ذوالحجة 1443 هـ ق

14 جولای 2022م

مترجم: مصطفی اسلام